

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: دماوند
نویسنده: فریبرز سنجری
۰۴ جولای ۲۰۱۳

القاعده به نمایندگی از امریکا در سوریه می جنگد!

حدود دو سال از جنگ در سوریه می گذرد؛ جنگی ارتجاعی که دو طرف درگیر در آن برای فائق آمدن بر یکدیگر از توسل به هیچ جنایتی کوتاهی نمی کنند. نتیجه این جنگ جنایتکارانه تاکنون بیش از ۸۰ هزار کشته و هزاران مجروح و چند میلیون آواره و بیخانمان و کشوری ویران شده است. یک طرف این جنگ ضد مردمی رژیم سرکوبگر و ددمنش بشار اسد حافظ نظام سرمایه داری حاکم در سوریه می باشد که سالهاست در خدمت امپریالیست های غرب و شرق، تسمه از گرده مردم رنجیده این کشور کشیده و امروز تحت حمایت امپریالیسم روسیه این جنگ را پیش می برد، و طرف دیگر گروه های مزدوری هستند که با پول و اسلحه قدرتهای امپریالیستی غرب (امریکا و اتحادیه اروپا) در جهت پیشبرد سیاستهای این قدرتها در سوریه، سازمان یافته و به نام " شورای ملی سوریه " و به مثابه نماینده مردم و "انقلاب" سوریه از سوی قدرتهای امپریالیستی غرب و رسانه های وابسته به آنها به افکار عمومی معرفی می شوند. بخش مهمی از این به اصطلاح "اپوزیسیون مردمی" را گروه های بنیادگرای اسلامی تشکیل می دهند که اساساً اهل این کشور نبوده و به مثابه مزدوران جنگی از کشورهای دیگر به سوریه اعزام شده اند! بر این اساس آنچه در رسانه های امپریالیستی تحت عنوان "انقلاب" معرفی می شود در واقعیت یک ضد انقلاب مسلح و وابسته به امپریالیستها می باشد. در واقع اگر خوب توجه کنیم می بینیم که سوریه امروز به گره گاه تضادها و رقابتهای امپریالیستی تبدیل شده است و پیچیدگی وضع در آن است که امپریالیستهای گوناگون از امریکا گرفته تا روسیه و فرانسه و غیره درست به دلیل منافعی که در سوریه دارند اکنون یک قطب بندی در بین خود به وجود آورده و از کمک دولت هائی در خاورمیانه برخوردارند که با هزار رشته به همه این امپریالیست ها وابسته اند. امپریالیست های غرب با اعمال نفوذ از طریق گروه های مرتجع فوق الذکر و با کمک کشورهای هائی چون ترکیه و قطر و عربستان سعودی یک طرف این قطب را تشکیل می دهند و طرف دیگر، امپریالیسم روسیه می باشد که از طریق بشار اسد و با کمک حزب الله لبنان و کمک مستقیم جمهوری اسلامی جنگ امپریالیستی در سوریه را پیش می برند.

در این مقاله کوشش می شود با آشکار کردن نقش ارتجاعی و تروریستی گروه های اسلام گرا در سوریه و برملا ساختن رابطه آنها با امپریالیست های غرب، پرده از ریاکاری های این امپریالیست ها و از جمله امپریالیسم امریکا برداشته شده و نشان داده شود که آنهاست که "تروریسم" و "بنیادگرایی اسلامی" را ظاهراً خطر بزرگ برای بشریت می نامند چگونه در سوریه به کار سازماندهی و تغذیه و تقویت این نیروهای تروریست و ارتجاعی مشغول اند.

در آغاز، امریکا و شرکای امپریالیستش در حالی که برای شعله ور نمودن آتش جنگ در سوریه از لیبیا و پاکستان و کشورهای دیگر، تروریست به سوریه صادر می کردند موكداً هر گونه رابطه با این دستجات را انكار می نمودند. در حالی که در همان شروع جنگ در سوریه گزارشات زیادی مبنی بر همکاری امریکا با القاعده در سوریه منتشر می شد. برای نمونه خبرنگار نشریه هافینگتون پست گزارش داد که: "مأموران سازمان سیا (CIA) اینک در جنوب ترکیه مستقر شده اند و از ماه مارچ دولتهای عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی را در امر همکاری و ارسال محموله های جنگی به واحدهای "ارتش آزاد سوریه" راهنمایی می کنند". حتی معاون دبیر حزب زحمتکشان ترکیه، بلنت اسین اوغلو، رسماً اعلام نمود که سازمان سیا (CIA) حدود ۶ هزار نفر عرب، افغان و ترک را برای انجام عملیات تروریستی در سوریه استخدام کرده است. با این همه دیوار حاشا بلند بود و امریکائی ها حاضر نبودند بر نقش جنایتکارانه خود در این جنگ و همکاری شان با بنیادگرایان اسلامی و تروریستها و از جمله القاعده مهر تأیید بزنند. چرا که چنین اعترافی همه تبلیغات فریبکارانه شان در رابطه با القاعده که آن را بزرگترین دشمن امنیت امریکا و صلح جهانی می نامیدند را نقش بر آب می کرد. اما به تدریج و با رو شدن هر چه بیشتر دستهای آنها در این بازی کثیف، رئیس اداره ضدتروریستی دولت امریکا "دانیل بنجامین" غیرمستقیم و با گفتن این که امریکا از ارتش آزاد سوریه می خواهد که القاعده را به داخل خودش راه ندهد بر حضور این جریان در جنگ سوریه مهر تأیید زد. و سپس سیر رویدادها دولت امریکا را مجبور نمود که صریح تر سخن گفته و در حالی که گام به گام از موضع اولیه عقب می نشیند از زبان "لیون پنتا" وزیر دفاع خود علناً به حضور القاعده در سوریه اعتراف کند. در این مورد "اتاق های فکر" همانند (Council on Foreign Relations) و روزنامه های غربی برای توجیه این همدستی کثیف دست به داستان سرائی زده و مطرح کردند که شورشیان سوری و در مجموع گردانهای ارتش آزادی سوریه روحیه باخته می باشند و اگر القاعده را در صف خود نمی داشتند بسیار ضعیف می بودند و حتی با کلمات حمایت گرانه اعلام کردند که جنگجویان القاعده با خودشان "دیسپلین، اشتیاق مذهبی، تجربه جنگ در عراق، کمک های مالی از جانبداران سنی منطقه خلیج، و مهمتر از همه، نتایج مهلک" به ارمغان می آورند و وجودشان می تواند روحیه بقیه را ارتقاء دهد.

جالب اینجاست که امروز که این سطور نوشته می شود رسوائی همکاری و همگامی القاعده و امریکا به آنجا رسیده که علی رغم همه حاشاها و انکار های اولیه حتی نیویورک تایمز نیز گزارش می دهد که "القاعده در "قلب انقلاب سوریه به وسیله سه گروه فعال می باشد: النصر جبهه ملل شرق مدیترانه، گردان عبد الله اعظم و گردان شهید البارا ابن مالک. " و البته معنای این گزارش که در آن با صراحت از القاعده در قلب انقلاب سوریه نام برده می شود را کسانی بهتر می توانند درک کنند که صحنه مشمزنکننده دریدن سینه جسد یک سرباز سوری به وسیله یکی از فرماندهان گروه بنیادگرای «کتائب عمر الفاروق» وابسته به یکی از گروه های بنیادگرای فوق الذکر به نام "ابو صقر" و خوردن قلب آن جنازه را در مقابل دوربینی که از این صحنه فلم می گیرد، را دیده باشند! "ابو صقر"، این جهادگر اسلامی در حین خوردن قلب جنازه فریاد می زند: "به خدا سوگند که ما قلب و جگر شما سربازان بشار اسد ... را می خوریم". این واقعیت را مردم جهان با نفرت و اشمئزاز در ویدئو های منتشر شده دیدند. حالا دیگر مهم نیست که "سازمان دیده بان حقوق بشر" که در خط امریکا فعالیت می کند با پیشروی تلاش کند که "ارتش آزاد سوریه" و دیگر گروه های بنیادگرا را از این رسوائی بری سازد.

اگر تا دیروز امریکا و شرکایش با انکار و اکراه از حضور بنیادگرایان اسلامی در سوریه و اتحاد خود با آنها سخن می گفتند، امروز دیگر مدتهاست که اتحادیه اروپا و کل امپریالیستهای غربی، که این روزها دوست دارند خودشان را "جامعه جهانی" بنامند تا کراهت یک قرن تجاوزات امپریالیستی را از خود دور کنند، "شورای ملی ائتلاف سوریه" را به عنوان تنها نماینده مشروع مردم آن کشور به رسمیت می شناسد. حالا دیگر کار به جایی کشیده است که دو کشور

مهم اتحادیه اروپا یعنی بریتانیا و فرانسه، با علم به حضور و نفوذ "گروه‌های جهادی نظیر القاعده" در رویداد های سوریه، رسماً خواهان مسلح کردن مخالفان اسد شده و از ضرورت ارسال سلاح برای آنها دم می زنند. امریکائی ها نیز بازی موش و گربه را به تدریج کنار گذاشته و امروز علناً از کمک های خود به این "شورا" و "ارتش آزاد سوریه" سخن می گویند. همان امریکائی هائی که القاعده و "جبهه النصره" در لیست سیاه تروریستی آنها قرار دارند و بر اساس قوانین امریکا هرگونه ارتباط مالی و کمک مالی به این جریان غیر قانونی اعلام شده است!

امروز تنیدگی همکاری و همگامی مزدوران و تروریستهای اسلام گرا و به خصوص القاعده با امپریالیستهای غرب و به ویژه امپریالیسم امریکا در سوریه آنقدر آشکار شده که دیگر حتی رسانه های شناخته شده آنها هم که همواره وظیفه شان لاپوشانی توطئه ها و دسیسه های امپریالیستی است، قادر به کتمان آن نیستند و هر روز گوشه جدیدی از این رابطه در این رسانه ها انعکاس می یابد. به این ترتیب مردم سوریه و نه تنها مردم این کشور، بلکه مردم جهان با وضوح هر چه بیشتری می بینند که امپریالیستهای که آن همه علیه خطر بنیاد گرائی اسلامی و تروریسم القاعده داستانسرا می کردند، چگونه امروز در جریان برنامه ای منظم، هر روز برای پیشبرد توطئه هایشان در سوریه از لیبیا و پاکستان و عربستان، القاعده "تروریست" وارد می کنند و در خاک ترکیه برای آنها اردوگاه زده و به وسیله آنها خانه و کاشانه مردم را مورد تجاوز خود قرار داده اند. تجاوزی که در جلوصحنه، دولتهای قطر و عربستان و ترکیه عوامل پیشبرد آن می باشند.

به واقع هم وقتی که در جریان این جنگ، تاکنون چند هزار فرد مسلح از اتباع کشورهای عربی و خارجی دستگیر شده اند که در میان آنها افسران ترکیه و عربستان سعودی وجود دارند، وقتی نماینده سوریه در سازمان ملل بار ها فهرست اسامی مزدوران خارجی که شامل شهروندان قطر، عربستان سعودی، لیبیا، افغانستان، ترکیه و دیگر کشورها بوده اند را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده، وقتی که برای نمونه در جنگ اخیر در "القصور" که طی آن حزب الله لبنان برای کمک به بشار اسد وارد میدان جنگ شد تعداد زیادی شهروندان خارجی دستگیر شده اند، چگونه می توان نقش این جریانات وابسته به امپریالیست ها را در جنگ جاری کتمان نمود؟ به همین دلیل هم هست که روزنامه بریتانیایی، گاردین در ۱۹ ماه مه اجباراً با صراحت گزارش داد که "اتحادیه اروپا تروریست های اسلامگرای سنی را که با پشتیبانی ایالات متحده در سوریه علیه رژیم بشار اسد می جنگند، مستقیماً تأمین مالی می کند." و یا زیبر خان نویسنده و روزنامه نگار پاکستانی "در نشریات این کشور گزارش داد که: "دستگاه اطلاعات ترکیه ۹۳ نفر از تروریستهای طالبان و القاعده را از وزیرستان به استان هاتای نزدیک مرزهای سوریه منتقل کرده است." او اضافه کرده است که "این ۹۳ تروریست عناصر القاعده و از اتباع کشورهای عربستان، کویت، یمن، پاکستان، افغانستان و شماری از ساکنان عرب وزیرستان پاکستان هستند" و هوشیار زیبیری، وزیر امور خارجه عراق در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد نیز تأیید کرد که "شبه نظامیان «القاعده» برای انجام عملیات تروریستی به خاک سوریه وارد می شوند و از مرزهای عراق اسلحه به این کشور حمل می کنند"

واقعیت این است که در طول دو سال گذشته ده ها و صد ها فاکت مبنی بر این امر که در سوریه، القاعده به نمایندگی امریکا با رژیم اسد می جنگد مستند و افشاء شده که کار انکار این حقیقت را برای امپریالیست ها و مبلغین جیره خوارشان بسیار سخت و غیر ممکن نموده است.

همانطور که ملاحظه شد به جرأت می توان گفت که در سالهای اخیر هیچ رویدادی مثل حوادث سوریه ریاکاری امپریالیستها و از جمله امپریالیسم امریکا را در مقابل چشم مردم منطقه با این وضوح به نمایش نگذاشته بود. مردم منطقه اکنون به عینه می بینند که قدرت هائی که در مخالفت با خطر "تروریسم" و "بنیاد گرائی اسلامی" عربده می کشیدند و هنوز هم می کشند و آن را "خطر" و "تهدید"ی بزرگ برای به اصطلاح صلح جهانی و "ارزشهای" جوامع

"آزاد" غرب جلوه می دادند، حال دست در دست همین جریانات تروریست و بنیادگرا برای تأمین هر چه بیشتر منافع خود در سوریه می جنگند، و کار رسوائی شان به آنجا رسیده که در حالی که همگان به عینه می بینند که این جریانات در زیر عبای همین قدرتها و برای پیشبرد سیاستهای تجاوزگرانه آنهاست که شکل گرفته و با پول و تجهیزات آنهاست که رشد کرده اند باز همچنان بیشرمانه و ریاکارانه به همدیگر اندرز می دهند که باید کاری کرد که کمک های ما به دست چنین گروه هائی نرسد! در حالی که آنها امروز در سوریه مشغول انجام همان کاری هستند که دیروز در افغانستان علیه ابر قدرت شوروی سابق انجام دادند. دیروز "مجاهدین افغان" را در افغانستان با دست سازی سیا (CIA) از طریق "بن لادن" برای مقابله با شوروی سابق شکل داده بودند، تا به قول برژینسکی، ویتنامی برای روسها درست کنند تا روسها نیز مثل امریکائی ها در ویتنام، سرانجام با خفت و خواری مجبور به ترک این کشور شوند. سیاست جنگی که امپریالیسم امریکا با همکاری رژیم های دست نشانده خود همچون جمهوری اسلامی آن را پیش برد و موفق شد به این وسیله مردم افغانستان را از چاهی به چاهی دیگر انداخته و با تحمیل جنگی ویرانگر بر آنها شرایط چپاول و غارت خود را در این کشور تسهیل کند.

تروریست های صادراتی و سلاح کیمیائی!

در سطور فوق به داستانسرانی اتاق های فکر امپریالیستها جهت توجیه ضرورت حضور القاعده در جنگ سوریه و صد البته به نمایندگی از "جامعه جهانی" (یا قدرتهای امپریالیستی) اشاره شد و از این اتاقها نقل قول شد که حضور جنگجویان القاعده، هم "دیسپیلین و اشتیاق مذهبی" و هم "نتایج مهلک" با خود می آورد. منظور از نتایج مهلک نیز نتایج مرگباری است که باعث می شود تا در صفوف نیروی مقابل تخم ترس و وحشت افکنده شده و آنها را دچار تزلزل سازد. حال با نگاهی به عملکرد تاکتونی بنیادگرایان اسلامی و القاعده در سوریه معنای این تعریف و تمجیدهای اتاق های فکر امریکائی ها از تروریستهای القاعده بهتر قابل فهم می شود. اتفاقی نیست که ما می بینیم همین جریانات مزدور، بی محابا و با قساوت تمام مردم را می کشند و در ۳۰ مورد قتل عامی که به گزارش سازمان ملل در این فاصله از مردم بیگناه سوریه شده - که شواهد ۱۷ مورد آن تاکنون به ثبت رسیده است- حضور و نقش ضد خلقی گروه های بنیادگرا، همیا با ارتش سرکوبگر و ضد مردمی سوریه غیر قابل انکار می باشد. همین چند روز پیش گروه بنیادگرای التوحید که بخشی از "ارتش آزاد سوریه" می باشد "در راه مواصلاتی حلب به عفرین" ۷۰۰ کرد این کشور را ربوده و آنها را وحشیانه شکنجه کردند و این مردم بیگناه را بدون دادن آب و غذا "در زیرزمین عمارتی در اطراف شهر حلب" زندانی نمودند.

یکی دیگر از کثیف ترین اعمال ضد خلقی این گروه های تحت الحمایه امریکا و شرکاء در سوریه، استفاده از سلاح کیمیائی علیه طرف مقابل و مردم رنج دیده می باشد. امری که آنقدر واضح بود که حتی وابستگان به امپریالیسم امریکا، امپریالیستی که "خط قرمز" خود درحمله مستقیم و دخالت نظامی آشکار در سوریه را استفاده از سلاح کیمیائی اعلام کرده هم نتوانستند نقش آنها را در این جنایت کاملاً کتمان کنند. شاهد بودیم که چگونه به صورت اتفاقی نیروهای امنیتی ترکیه ۱۲ تن از عناصر گروه تروریستی "جبهة النصرة" که همراه خود حداقل دو کیلو گاز سمی "سارین" حمل می کردند را دستگیر نمودند و خبر به بیرون درز نمود و رسوائی دیگری بر رسوائی های حامیان و پشتیبانان تروریستهای بنیادگرای اسلامی افزود. رسوائی که نشان می داد امریکائی ها چگونه در حالی که استفاده از سلاح کیمیائی را خط قرمز دخالت نظامی خود اعلام می کنند در همان حال از طریق تروریستهای صادراتی شان علیه مردم سوریه سلاح کیمیائی استفاده می کنند و ریاکارانه در صدد اند تا همین امر را هم هر وقت که خواستند بهانه توجیه دخالت هر چه بیشتر و علنی تر نظامی خود قرار دهند.

سالها بود که کمونیستها و نیرو های انقلابی با مدارک غیر قابل انکار نشان می دادند که نه تنها القاعده، بلکه بنیاد گرائی اسلامی در کل، دست ساز امپریالیسم امریکا و شرکاء و وسیله پیشبرد سیاستهای امپریالیستی آنهاست و کوتاه فکرانی با انکار این واقعیت برای آنها پایگاه طبقاتی خرده بورژوائی قائل می شدند و خیلی که می خواستند رادیکال جلوه کنند القاعده و رهبرش بن لادن را سگ زنجیر پاره کرده امپریالیستها جلوه می دادند که به گاز گرفتن ارباب خود مشغول شده است! و به این طریق دستان امپریالیسم در جنایاتی که از سوی بنیادگرایان اسلامی می شد، را می شستند. حال رویداد های سوریه بار دیگر و با وضوحی غیر قابل انکار تنیدگی وابستگی و همکاری بنیادگرائی اسلامی با سلطه امپریالیستی را در مقابل دید همگان قرار داده و ثابت کرده است که این جریانات با پول و تجهیزات همین قدرتها شکل گرفته اند و مجری سیاستهای جنایتکارانه همین ها می باشند. به واقع این جریانات مرتجع وسیله ای جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیستی در چهار گوشه جهان هستند. مردم هوشیار جهان امروز می بینند که امپریالیستها برای رسیدن به اهداف خود، حتی از سازماندهی "ارتش آزادیبخش" متشکل از القاعده هم دریغ نمی ورزند. به این ترتیب تجربه سوریه یکی از این سیاستهای محیلانه امپریالیستی را نیز با وضوح هر چه بیشتری در مقابل چشم همگان قرار داد. این واقعیت ها تجربه توده های ستمدیده نه فقط در سوریه بلکه در اقصا نقاط جهان را غنی می سازد.

به یاد آوریم که توده های ستمدیده سوریه با توجه به زمینه شرایط مادی زندگی شان یعنی زندگی در فقر و فلاکت و در زیر سلطه سرنیزه، متأثر از خیزش مردمی در تونس و مصر و آنچه که به "بهار عربی" معروف شد علیه رژیم دیکتاتور بشار اسد به پاخاسته و فریاد نان و آزادی سر داده بودند. اما امپریالیست هائی که این روز ها فریاد "اسد باید برود" را سر می دهند درست در زمانی که مردم برای سقوط این دیکتاتور به پاخاسته بودند و در این راستا پیش می رفتند دارو دسته های اسلام گرای خود را وارد میدان کرده و با به راه انداختن یک جنگ ارتجاعی در سوریه عملاً مبارزات مردم را به حاشیه راندند. این یکی از نکات آموزنده جنگ کنونی در سوریه است که به روشنی نشان می دهد که کمونیستها و نیرو های انقلابی حق داشتند زمانی که می گفتند امپریالیستها منظورشان از مخالفت با رژیم بشار اسد نه تأیید سرنوونی این استبداد از پائین به وسیله مردم و در جهت منافع توده ها بلکه از بالا و به وسیله دارو دسته های مزدور آنها و در جهت تأمین هر چه بیشتر منافع خودشان می باشد. وقتی که قدرتهای غربی به کمک مزدورانشان در منطقه اعتراضات مردمی را بهانه دخالت در این کشور کردند، درگیری بین دارو دسته های مزدور عمدتاً اسلام گرا با ارتش سرکوبگر بشار اسد صحنه سیاسی سوریه را شکل داد و فاجعه ای آفرید که حاصلش وضع کنونی است. جنگی بین دو نیروی ضد انقلابی و ضد مردمی که برای رسیدن به اهدافشان نشان داده اند از هیچ جنایتی دریغ نمی ورزند. حال علی رغم همه این واقعیات بگذار باز هم کسانی از آنچه در سوریه می گذرد به نام انقلاب مردم سوریه نام ببرند. اما واقعیت این است که سیر رویداد ها در این کشور کار آنها را برای لاپوشانی دخالتهای امپریالیستی برای دست یابی به منافع هر چه بیشتر در سوریه و البته به قول آنها آزادی و دموکراسی بسیار دشوار کرده است. چرا که تجربه سوریه نیز نشان داد که "بنیاد گرائی اسلامی" و "جنگ باتروریسم" در واقع ابزاری است در دست امپریالیستها و به ویژه امپریالیسم امریکا جهت کسترش و تعمیق سلطه شان در هر منطقه ای که به آن نیاز دارند.